



آموزش صلح به کودکان و نقش آن در پیشگیری از خشونت و شکل گیری شهروندی جهانی

علی اکبر امین بیدختی^۱، یوسف کشاورز^۲

۱-استاد مدیریت آموزشی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان

۲-دانشجوی دکتری، مدیریت آموزشی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان

چکیده

زیستن در دوران کنونی با مشخصه‌هایی از قبیل «فشرده‌گی زمان و مکان»، «به هم پیوستگی»، «سرعت و شتاب تغییرات و دگرگونی‌ها»، «کمرنگ شدن مرزها» و ... که از آن به عصر جهانی شدن می‌توان یاد کرد؛ بیش از هر چیز نیازمند دانش، بینش و مهارت هم‌زیستی مسالمت آمیز در کنار انسان‌هایی از رنگ و نژاد و فرهنگی متفاوت فارغ از مرزبندی‌های جغرافیایی، قومی و نژادی است. از آنجایی که رفتار انسان ناشی از افکار و ذهنیات اوست، در صورتی می‌تواند از بروز رفتار خشونت آمیز و افراطی پیشگیری کند که تحمل عقاید و اندیشه‌های مختلف و پذیرش تنوع و دگرگونی را آموخته باشد. به نظر می‌رسد که مقابله با هر گونه خشونت و افراطی‌گری در اشکال مختلف، نیازمند سیاستگذاری و فرهنگ‌سازی در زمینه آموزش صلح به عنوان یک از موثرترین راه‌های آن می‌باشد که موضوع این مقاله است. در نظر داشته باشیم که فرهنگ صلح زمانی دست یافتنی می‌شود که تمامی ساکنین کره زمین مشکلات جهانی را درک کرده و دارای مهارت حل تعارضات و کشمکش‌ها بدون خشونت باشند. همچنین با معیارهای بین المللی «برابری و حقوق بشر» زندگی کنند و قدردان تنوع فرهنگی و احترام به یکدیگر و کره زمین و ... باشند. چنین یادگیری تنها با سیاست‌ها و خطی‌مشی‌های مناسب و از طریق آموزش نظام‌مند صلح و ایجاد حس همبستگی، احساس مسئولیت در برابر دیگران، شناخت تنوع و تفاوت‌های فردی، تحمل افکار، عقاید و نظرات مختلف و نفی تمایزات قومی، نژادی و مذهبی دست یافتنی است. آموزش تمامی شهروندان، به ویژه کودکان و نوجوانان به عنوان شهروندانی جهانی، می‌تواند فرهنگ صلح را از همان سال‌های نخستین زندگی اجتماعی نهادینه کند و این آرزوی فراگیر را محقق سازد. لذا این مقاله به بررسی سیاستگذاری آموزش صلح و ارائه مدل پیشنهادی در این زمینه و همچنین نقش آن در کاهش و پیشگیری خشونت و افراطی پرداخته و در پایان نیز پیشنهادها و راهکارهایی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش صلح، سیاستگذاری، جهانی شدن، شهروند جهانی، خشونت و افراطی‌گری